

حقوق

بشر

صادق سرمد



امروز می‌نهند پی از صلح پایدار کافتند ز پایه کاخ زر و زور و قلدری امروز سازمان بشر را ز مرد و زن مهر برادری بود و لطف خواهری در سازمان ما که مقام فضیلت است جز دانش و هنر نبود شرط برتری در سازمان ما که ملل متحد شدند آزادی است و صلح و صفا شرط همسری این‌جا به‌جز اراده‌ی مردم اراده نیست کاصل حکومت این بود و رسم سروری این‌جا نظام جامعه محکوم فرد نیست کاین‌جا مجاز نیست غرور و سبکسری این‌جا سخن ز رنگ سیاه و سپید نیست تا تو ز سرخ‌رویی خود شاهد آوری این‌جا ز هر دیار که هستی تو را دهند آزادی عقیده و فکر و سخنوری این‌جا به هر کسی برسد آن‌چه حق اوست تا حق دیگران نبرد کس به‌جا بری این‌جا به رفت‌وآمد کس گیر و دار نیست چونان که آمدی بتوانی که بگذری این‌جا برای مادر و کودک فراهم است هم عیش کودکانه و هم مهر مادری این‌جا گواه وحدت ما عین کثرت است بر جمع ما پدیده وحدت چو بنگری این‌جا نظر به سنت و آداب ملی است تا سر ز سر وحدت عالم به در بری امروز هیچ‌کس ندهد تن به جور و جبر کامروز تو به زندگی خود مخیری امروز نام «روز حقوق بشر» گرفت تا خود بشر رسد به حقوق مقرری امروز را به مردم عالم درود گفت سرمد که شد سرآمد دوران به شاعری

کاصل بقاست صلح به‌رغم ستمگری برچیده شد بساط ستم از بسیط خاک شد روز بسط معدلت و دادگستری خورشید معرفت که ز مشرق طلوع کرد در غرب شد فروز پس چرخ چنبری این خود گواه صادق صبح قیامت است کز باختر طلوع کند مهر خاوری شد بارور نهال عدالت به آب علم کامروز می‌توانی از آن شاخه برخورداری امروز مجمع بشریت حق بشر اعلام می‌کند به صلاهی مبشری امروز کاهل عالم یک خانواده‌اند کس را اجازه نیست به تحقیر دیگری امروز کاختلاف نژاد و عقیده نیست نه ننگ فقر هست و نه فخر توانگری امروز حکم قانون حامی حق بود و امروز نیست حاجت عصیان و خودسری

آیین ما به قاعده‌ی نوع‌پروری آزادی و برادری است و برابری معمار کائنات چو گیتی بنا نهاد زد گونیا به قاعده‌ی نوع‌پروری بر پایه‌ی مثلث رحمت نهاد پی حریت و تساوی و اصل برادری پرگار زد مهندس اعظم به نقش کون کز دایره برون نرود حکم داوری ارسال داشت از پی بیداری بشر پیک رسل به رسم بشیری و مندری از آدم نخستین تا خاتم رسل افراشتند پرچم ارشاد و رهبری از معبد سلیمان تا مسجد الحرام شد خانه‌ی خدای علی‌رغم بت‌گری «المؤمنون اخوه» فروخواند بر بشر خیر رسل که ختم بدو شد پیمبری بار دگر به خیر بشر زد صلاح صلح



از راست: شیرین عبادی (برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل)؛ حسن امین؛ هوشنگ وزیری